

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)  
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۶، پیاپی ۱۴۶، زمستان ۱۴۰۱  
مقاله علمی - پژوهشی  
صفحات ۱۷۱-۱۴۳

### جایگاه تحمل و تحمیل عقیده در روابط فکری و اجتماعی در سیره نظری پیامبر(ص) بر اساس کتب اربعه شیعه و صحاح سته<sup>۱</sup>

زینب میرزایی مهرآبادی<sup>۲</sup>  
علیمحمد ولوی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۹/۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۳۱/۰۱/۱۴۰۲

#### چکیده

«تحمل عقیده» راه حلی مناسب برای کاهش تعارضات در روابط انسان‌ها با یکدیگر است. در جوامع با ادیان و مذاهب متنوع و متکثر، اختلاف امری اجتناب‌ناپذیر است. مطالعه رابطه دین و تحمل نشان می‌دهد که ادیان غالباً به تحمل نکردن دین‌های دیگر گرایش دارند. بنابراین برخی متفکران غربی دین را عامل افزایش تحمیل عقیده می‌دانند. در این مقاله با روش تحلیل مضمون، الگوهای رفتاری مبتنی بر تحمل و تحمیل عقیده در روابط فکری و اجتماعی افراد با یکدیگر در سیره نظری پیامبر(ص) بررسی قرار گرفته تا مشخص شود که مضامین نهفته در سیره پیامبر دربرگیرنده الگوهای تعصب‌آمیز رفتاری است که خشونت مذهبی را اشاعه می‌دهد؟ یا برعکس، الگوهای رفتار تحمیلی مبتنی بر مدارا را ترویج می‌کند؟ بررسی و تحلیل احادیث پیامبر(ص) در سطح شناسایی، کدگذاری و مضمون‌یابی بنا بر کتب اربعه شیعه و صحاح سته نشان می‌دهد که فراوانی احادیثی که مضمون آنها تحمل عقیده دیگری است، نسبت به دسته دیگر که بر تحمیل عقیده دلالت دارد، بیشتر است. تحلیل احادیث تحمیلی نشان از آن دارد که این احادیث در زمانی خاص و معطوف به

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.42188.2719

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1401.32.56.6.6

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران z.mirzaei@alzahra.ac.ir

۳. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
a.valavi@alzahra.ac.ir

- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تأثیر نظام‌اندیشگانی حاکمیت بر تحمل و تحمیل عقیده در مناسبات مذاهب کلامی تا نیمه قرن پنجم هجری» در دانشگاه الزهراء است.

شرایط خاص تولید شده‌اند و باید با توجه به همان شرایط تفسیر شوند. بنابراین در سیره پیامبر(ص) بر رفق، مدارا و حلم در روابط انسان‌ها با یکدیگر به عنوان اصلی اساسی تأکید و از خرق، عنف و تعصب در دین و عقیده نهی شده است. **واژه‌های کلیدی:** تحمل و تحمیل عقیده، رفق، سیره نبوی، صحاح سته، کتب اربعه، تحلیل مضمون

#### مقدمه

تحمل عقیده از مباحث بسیار مهم در حوزه مسائل دینی، اجتماعی، سیاسی و غیره است که منظور از آن خویشتن‌داری در برابر چیزی است که آن را دوست نداریم و یا نسبت به آن احساس تهدید می‌کنیم. تحمل به معنی داشتن نگرش منفی و نیز توانایی برای مقابله با چیزی، ولی در عین حال خودداری از انجام هر عملی علیه آن است. در حقیقت، تحمل سیاست مدارای صبورانه با چیزی است که آن را نادرست می‌دانیم. برخی «تحمل را خاصیت کسان می‌دانند که به هیچ چیزی اعتقاد ندارند». در این تعریف، مفهوم تحمل با بی تفاوتی یکسان فرض شده است؛ درحالی‌که تحمل زمانی نمود خارجی پیدا می‌کند که سه شرط برای آن حاصل شود. نخست اینکه فرد از چیزی ناراحت شود؛ دوم فرد در موقعیتی باشد که بتواند عامل ناراحتی را سرکوب کند؛ و سوم این است که فرد با وجود داشتن قدرت سرکوب، انتخاب کند که نسبت به این واقعه واکنش منفی نشان ندهد و اعمال قدرت نکند (Richard Vernon, Samuel V, Laselva:1984: 3-23).

رابطه دین و تحمل، یکی از عرصه‌های بحث برانگیز در این زمینه است. مطالعات اولیه درباره رابطه دین با تحمل نشان می‌دهد که ادیان اغلب به تحمل نکردن دین‌های دیگر گرایش دارند. این یافته‌ها در برخی از پژوهش‌های جدید نیز تکرار شده است. این پژوهش‌ها مدعی‌اند که بین دین و عدم تحمل عقاید دیگران رابطه مستقیمی برقرار است؛ زیرا در دین‌الگوهای تعصب‌آمیز رفتاری و اعتقادی وجود دارد که تمایل به عدم تحمل و حتی خشونت را در میان پیروان خود افزایش می‌دهند (Hoffman, 2019: 4). تأکید این پژوهش‌ها بر الگوهای رفتاری چون انحصارگرایی اعتقادی، نفی عقاید دیگران و قائل نبودن حق زندگی برای پیروان عقاید دیگر است که به عقیده آنها، به جزم‌اندیشی دینی، تنگ‌نظری و انحصارگرایی‌های اعتقادی در میان پیروان ادیان مختلف منجر می‌شود (Roberts, 1990: 60) و بیزاری از باورهای دیگر افراد جامعه را افزایش می‌دهد.

در اینجا پرسش مهمی مطرح می‌شود که: آیا همه الگوهای رفتار دینی در راستای افزایش

خشونت مذهبی و تحمل نکردن باورهای دیگران است؟ برخی اندیشمندان با تأکید بر آموزه‌های دین که تبلیغ‌کننده صلح و دوری از تعصب است، این نظریه را رد کرده‌اند (Eisenstein, 2006: 329). در حقیقت، پژوهش‌هایی که رفتار دینی را عامل افزایش تحمیل عقیده می‌دانند، بیشتر از بررسی آموزه‌های یک دین، پیروان آن دین را ملاک ارزیابی قرار داده‌اند و براساس پاسخ‌های آنها به این نتیجه رسیده‌اند که دین به عدم تحمل گرایش بیشتری دارد. آنان با اصل قرار دادن رفتار پیروان یک دین، نتیجه گرفته‌اند که مثلاً کسانی که به‌طور منظم در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، سطح تحمل کمتری نسبت به افرادی که به ندرت به مکان‌های مذهبی می‌روند، دارند (Eisenstein, 2006: 329)؛ درحالی‌که علم و عمل دینی پیروان به تنهایی نمی‌تواند ملاک ارزیابی مناسبی برای تعیین رابطه بین دین و تحمل باشد؛ زیرا متغیرهای گوناگونی چون میزان تحصیلات، نحوه تربیت، میزان آگاهی‌های مذهبی افراد، محل زندگی و غیره در این میان مؤثرند. اگرچه آموزه‌های دینی نقش مهمی در چگونگی کنش اجتماعی پیروان دارند، ممکن است فهم و تفسیر افراد از دین و آموزه‌های آن متفاوت و گاهی اشتباه باشد و همین تفسیرها و برداشت‌های اشتباه آنها به پای دین گذاشته شود. در نتیجه، بررسی آموزه‌های دینی ملاک بهتری در تشخیص تحمیلی یا تحمیلی بودن الگوهای رفتاری در یک دین است. از طرف دیگر، غیرمذهبیانی که در این پژوهش‌ها بررسی می‌شوند و تحمل مذهبی بیشتری نشان می‌دهند، معیار مناسبی برای تحلیل نیستند؛ چون ممکن است در دسته «بی تفاوت‌ها» قرار گیرند و بی تفاوت بودن با تحمل داشتن متفاوت است.

در اسلام آیات قرآن و روایات پیامبر(ص) بهترین منابع برای استخراج آموزه‌ها و الگوهای رفتار دینی و سنجش تحمیلی یا تحمیلی بودن آنهاست. در این مقاله به تحلیل مضمونی جایگاه تحمل و تحمیل عقیده در عرصه مناسبات اجتماعی افراد با یکدیگر در سیره نظری پیامبر و استخراج الگوهای رفتاری از درون آنها پرداخته‌ایم تا آشکار شود که پیامبر(ص) در این زمینه براساس احادیثی که در کتب اربعه شیعه و صحاح سته آمده، مردم را به تحمل یکدیگر فرا می‌خواندند یا برعکس، جزم‌اندیشی دینی، تنگ‌نظری و انحصارگرایی اعتقادی را اشاعه می‌دادند.

پژوهش حاضر براساس احادیث کتب اربعه شیعه و صحاح سته انجام گرفته و نتایج آن حاصل قرائتی است که آنها با توجه به احادیث از پیامبر ارائه داده‌اند. همچنین در این مقاله فقط بر شارع دین تمرکز شده و رفتار یا اندیشه تحمیلی یا تحمیلی مسلمانان ملاک ارزیابی نیست. منظور از الگو، هنجار، مدل یا گونه خاص رفتاری و اعتقادی است که می‌تواند راهنمای عمل و رفتارهای اجتماعی باشد (بیرو، ۱۳۷۵: ۱۲۰). منظور از سیره نظری پیامبر(ص)

نیز مجموع گفته‌ها و سخنرانی‌هایی است که در احادیث منعکس شده است (لاجیمی: ۱۳۸۵: ۷).

در این زمینه مقالات اندکی نوشته شده است؛ از آن جمله می‌توان به مقاله «بردباری پیامبر(ص) در قرآن»<sup>۱</sup> اشاره کرد که به شکل محدود، به روایاتی از پیامبر که متضمن مفهوم «صبر» است، پرداخته است. در مقاله «پیامبر مدارا و قطعیت»<sup>۲</sup> نیز به موضع‌گیری‌های قاطع اسلامی در قرآن و سنت پرداخته شده است. مؤلف مقاله «رفق و مدارا در سیره پیامبر رئوف(ص) در کتب احادیث اهل سنت»<sup>۳</sup> هم به بررسی رفق در سیره عملی پیامبر(ص) پرداخته است. «تساهل و مدارا در اندیشه‌های سیاسی اسلام»<sup>۴</sup> مقاله دیگری است که بخش محدودی از آن به بررسی تساهل و مدارا در سنت و سیره پیامبر(ص) اختصاص یافته است. مؤلف کتاب *مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی*<sup>۵</sup> هم به بررسی جایگاه مخالفان در نظام سیاسی اسلام پرداخته و برخورد و رفتار حکومت دینی با آنها را بررسی کرده و بخشی کوتاهی را به مدارا با مخالفان از دیدگاه قرآن و سنت اختصاص داده است. همچنین در کتاب *مدارا و قاطعیت رسول اکرم(ص) در قرآن*<sup>۶</sup> به بررسی این مفهوم در سیره نبوی پرداخته شده است. «جایگاه مدارا در سنت و سیره پیامبر اکرم(ص)»<sup>۷</sup> دیگر پژوهش انجام شده در این زمینه است. همان‌گونه که مشخص شد، در این مقالات تحمل و تحمیل عقیده در سیره نظری پیامبر(ص) به شکل روشمند بررسی نشده است. بر همین اساس، در این مقاله برآن بوده‌ایم تا با روش تحلیل مضمون به تحلیل جایگاه تحمل و تحمیل قیده در سیره نظری پیامبر(ص) بپردازیم.

۱. طاهره آقامیری (زمستان ۱۳۸۵)، «بردباری پیامبر(ص) در قرآن»، *بینات*، سال سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۱۰۱-۱۱۳.

۲. غلامحسین حسینی (زمستان ۱۳۷۹)، «پیامبر مدارا و قطعیت»، *کتاب نقد*، سال سوم، شماره ۱۴ و ۱۵، صص ۲۰-۳۸.

۳. محمدتقی زند و کیلی، زبیر حسین زهی، الله رسان ریگی (زمستان ۱۳۹۶)، «رفق و مدارا در سیره پیامبر رئوف(ص) در کتب احادیث اهل سنت»، *نخستین کنگره بین‌المللی زبان، ادبیات و زبان‌شناسی*، صص ۴۰-۵۸.

۴. حسین فرزانه‌فر (بهار ۱۳۸۳)، «تساهل و مدارا در اندیشه‌های سیاسی اسلام»، *مطالعات اسلامی*، سال ششم، شماره ۶۳، صص ۱۵۵-۱۸۶.

۵. غلامرضا نوعی (۱۳۷۹)، *مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی*، رشت: مبین.

۶. صفر افتخاری (۱۳۸۹)، *مدارا و قاطعیت رسول اکرم(ص) در قرآن کریم*، رشت: مبین.

۷. ناصر باقری بیدهندی و مقبول حسین (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)، «جایگاه مدارا در سنت و سیره پیامبر اکرم(ص)»، *سیره و سخن اهل بیت*، سال اول، شماره ۲، صص ۵-۳۴.

## روش پژوهش

در این مقاله از روش تحلیل مضمون برای بررسی احادیث نبوی استفاده شده است که شامل یافتن معانی مکرر از یک مجموعه داده برای تفسیر پدیده‌هاست. این روش اغلب در تحقیقات کیفی برای دسته‌بندی الگوهای معنا از دل مجموعه داده‌ها به کار می‌رود. به عبارتی تحلیل مضمون عبارت است از: «کدگذاری»، «طبقه‌بندی» و «تحلیل داده‌ها»؛ با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل به دنبال الگویابی در داده‌هاست و سپس مضمون‌ها را از داده‌ها بیرون می‌آورد (محمدپور، ۱۳۹۲ش: ۶۷/۲). این روش به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود. در این مقاله از روش شش مرحله‌ای شناسایی، کدگذاری، ایجاد مضامین، مرور مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و در آخر نوشتن گزارش که توسط «ویرجینیا برون» و «ویکتوریا کلارک» پیشنهاد شده، استفاده شده است. با توجه به اینکه روش تحلیل مضمون بسیار منعطف است، امکان اضافه کردن یا کاستن از این مراحل وجود دارد. زمانی که محقق به دنبال یافتن دیدگاه‌ها، عقاید، تجربه‌ها و دانش افراد است، می‌تواند از این روش استفاده کند (Braun et al, 2019: 852-856).

### ۱. تحلیل مضمونی تحمل عقیده در روایات پیامبر(ص)

نگارندگان این پژوهش درصدد تبیین جایگاه تحمل و تحمیل عقیده در مناسبات فکری و اجتماعی در سیره نظری پیامبر(ص) بنا بر کتب اربعه و صحاح سته می‌باشند تا مشخص شود که این موضوع چگونه در این کتاب‌ها تبیین شده است. اگرچه برخی از روایان این احادیث توثیق نشده‌اند، به علت اجماع علمای شیعه در پذیرش احادیث کتب اربعه (صدر حسینی، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۱۲۷) و نیز اجماع اهل سنت درباره صحاح سته (شفیعی‌مازندرانی، ۱۳۷۷: ۵۱-۷۳)، به آنها اعتماد شده است. تمرکز بر روایاتی بود که به صراحت و یا به شکل تلویحی، به تحمل یا تحمیل عقیده در مناسبات فکری و اجتماعی افراد در صحنه حیات اجتماعی مربوط بودند. هدف یافتن مضامینی بود که معنای تحمل یا تحمیل عقیده را بازتولید کنند.

کاوش اولیه نشان داد که واژه‌های رفق، مدارا و حلم ارتباط معنایی نزدیکی با مفهوم تحمل دارند؛ هرچند این واژه‌ها علاوه بر مفهوم تحمل، دربردارنده معانی‌ای چون تحمل سختی‌ها و مصیبت‌ها، صبر بر طاعت و صبر بر معصیت نیز می‌باشند. بنابراین در این مقاله تنها به احادیثی پرداخته شده که در آنها رفق، حلم و مدارا در معنای تحمل عقیده و یا در نقطه مقابل خشونت، تعصب، خرق و عنف به کار رفته است. بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی این واژه‌ها، به درک بهتر بحث کمک می‌کند. رفق در برابر خرق (خشونت) است. خرق به معنی ضعف عقل،

حُمق، جهل، عنف، زجر و عجله آمده است (طریحی، ۱۳۶۲: ۱۷۱/۵). در نتیجه، رفق به معنای مهربانی و همراهی است که با لطافت، صبر و نرمش همراه است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱۸/۱۰). رفق آسانی در امور و سهولت در رسیدن به آنها و در لغت به معنای نفع است. رفیق از همین واژه مشتق شده و معنای همنشینی را می‌رساند که انسان از او منتفع می‌شود (عسکری، ۱۳۹۰: ۲۰۳).

مدارا در لغت به معنای نوعی مهربانی است که از روی نیرنگ و فریب باشد. «دَرَبَتُ الصَّيِّدِ» به معنای فریب دادن شکار و «دَارَبَتُ الرَّجُلُ» به معنای رسیدن به مطلوب از طریق نیرنگ و فریب است (عسکری، ۱۳۹۰: ۲۰۳). بنابراین «داری بمداراً» رفتار به نرمی است که تداعی نوعی فریب را می‌کند. برخی معتقدند رفق اغلب در برابر موافقان و مدارا در برابر مخالفان کاربرد دارد (داودی، ۱۳۸۰: ۱). استعمال این واژه‌ها در این معنا، در روایات مختلف نیز این گمان را تقویت کرده است. در حدیثی از امام صادق(ع) درباره شیعیان از واژه «رفق» استفاده شده است: «يَا عُمَرُ لَا تَحْمِلُوا عَلَيَّ شِيعَتَنَا وَ ارْفُقُوا بِهِمْ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَحْتَمِلُونَ مَا تَحْمِلُونَ» (ای عمر، باری بر دوش شیعیان ما مگذارید و با آنان مدارا کنید که مردم آنچه را بر دوش آنان می‌گذارید به دوش نمی‌گیرند) (کلینی، ۱۴۱۱: ۳۳۴/۸). در احادیث دیگر از ایشان واژه «مدارا» درباره مخالفان به کار رفته است: «... وَ أَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيُكَلِّمُهُم بِالْمُدَارَاةِ...» (... و اما با مخالفان باید به مدارا سخن گفت...); «إِنَّ مُدَارَاةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ صَدَقَةِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ» (مدارا کردن با دشمنان خدا از بهترین صدقه‌هایی است که انسان برای خود و برادرانش می‌دهد) (ری شهری، [بی تا]: ۱۰/۴). البته احادیثی هم وجود دارد که در آنها مدارا یا رفق در اشاره به «الناس» یا «خلق» به طور کلی به کار رفته است: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ» (خداوند مرا به مدارای با مردم امر فرمود؛ چنان که به انجام واجبات امر فرمود) (کلینی، ۱۴۱۱: ۱۱۷/۲); «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ» (سازش با مردم نیمی از ایمان و نرمش با آنان نیمی از زندگی است) (همو، همان، همان‌جا)، منظور از مدارا بیشتر نرمی همراه با هوشمندی و زیرکی است که اغلب نسبت به معاندان و مخالفان به کار می‌رود.

مفهوم حلم و شکیبایی در حالت توانمندی است. حلم بر ترک عجله و کندوکاو در چیزی اشاره دارد (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۹۳/۲). بنا بر دیدگاه امام حسن(ع)، حلم «كَظْمِ الْغَيْظِ وَ مِلْكِ النَّفْسِ» است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۴۱/۲۶). حلم در صفت پروردگار نیز به معنی صبر و بردباری است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴۶/۱۲). در آیات زیادی از قرآن صبر با همین معنی در اشاره به پروردگار به کار رفته است (سوره بقره، آیات ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۶۳؛ سوره آل عمران، آیه

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۱۴۹

۱۵۵؛ سوره نساء، آیه ۱۲؛ سوره مائده، ۱۰۱ و ...). در ادامه به شناسایی گزاره‌های مبتنی بر تحمل عقیده در مناسبات فکری و اجتماعی افراد پرداخته شده است.

۱-۱. جدول شماره ۱: شناسایی الگوهای رفتاری مبتنی بر تحمل عقیده

| ر  | منبع            | گزاره   | کد  | مضمون  |
|----|-----------------|---|---|--|
| ۱  | کافی، ج ۲، ص ۸۶ | ان هذا الدین متین فأوغلوا فيه برقی...   | دین متین است با رفق بر آن وارد شوید             | دعوت به رفق در دین                                       |
| ۲  | همان، ص ۱۱۶     | ثلاث من لم یکن فیہ لم یتیم له عمل... و خلق یداری به الناس و حلم یرد به جهل الجاهل | امنیت و آرامش در مداراست                        | تأکید بر مدارا و حلم در رفتار با مردم برای رهایی از آسیب |
| ۳  | همان، ص ۱۱۷     | یا محمد ربک... یقول لک دار خلقی   | رفتار به مدارا                                  | تأکید بر مدارا   |
| ۴  | همان            | أمرنی ربی بمداراة الناس کما أمرنی بأداء الفرائض                                   | فرمان خداوند مبنی بر مدارا با مردم              | وجوب مدارا   |
| ۵  | همان            | مداراة الناس نصف الأیمان و الرفق بهم نصف العیش                                    | اهمیت مدارا و رفق                               | تأکید بر رفق   |
| ۶  | همان، ص ۱۱۹     | الرفق یمن و الخرق شوم   | تحسین رفق و تعقیب خرق                           | تأکید بر رفق و دوری از خرق                               |
| ۷  | همان            | إن الرفق لم یوضع علی شیء إلا زانه و لا نزع من شیء إلا شانه                        | فضیلت رفق                                       | تأثیرات عینی و ملموس رفق در زندگی فرد                    |
| ۸  | همان            | إن فی الرفق الزیادة و البرکة و من یحرم الرفق یحرم الخیر                           | اثرات رفق                                       | تأثیرات عینی و ملموس رفق در زندگی فرد                    |
| ۹  | همان، ص ۱۲۰     | لو کان الرفق خلقاً یری ما کان ممّا خلق الله شیء أحسن منه                          | رفق نیکوترین آفریده خداست                       | دعوت به رفق  |
| ۱۰ | همان            | ما اصطحب اثنان إلا کان أعظمهما أجراً و أحبهما إلی الله عز و جل أرفقهما بصاحبه     | اجر عظیم برای کسی که با دیگران به رفق رفتار کند | دعوت به رفق در روابط انسانی و تعیین پاداش برای آن        |

|                            |                                  |  |                     |    |
|----------------------------|----------------------------------|--|---------------------|----|
| دوری از تعصب               | نکوهش عصبیت                      | مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ عَصَبِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَغْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ   | همان،<br>ص ۳۰۸      | ۱۱ |
| دوری از تعصب               | تعصب، ایمان را<br>محو می‌کند     | مَنْ تَعَصَّبَ أَوْ تَعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ  | همان                | ۱۲ |
| نهی از عیب‌جویی<br>از مردم | دوری از بیان<br>لغزش‌های دیگران  | يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَخْلُصِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَذْمُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي بَيْتِهِ. | همان، ۳۵۴           | ۱۳ |
| نهی از عیب‌جویی<br>از مردم | دوری از بیان<br>لغزش‌های دیگران  | لَا تَطْلُبُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ أَخِيهِ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَاتِهِ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ  | همان،<br>ص ۳۵۵      | ۱۴ |
| نهی از سرزنش<br>دیگران     | نهی از سرزنش<br>دیگران           | مَنْ أَنْبَ مُؤْمِنًا أَنْبَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.  | همان،<br>ص ۳۵۶      | ۱۵ |
| نهی از سرزنش<br>دیگران     | نهی از سرزنش<br>دیگران           | مَنْ أَدَاعَ فَاخِشَهُ كَانَ كَمُبْتَدِيئِهَا وَمَنْ عَبَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ  | همان                | ۱۶ |
| نهی از سرزنش<br>دیگران     | نهی از سرزنش<br>دیگران           | مَنْ عَبَّرَ مُؤْمِنًا بِذَنْبٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ  | همان                | ۱۷ |
| نهی از سرزنش<br>دیگران     | نهی از سرزنش<br>دیگران           | مَنْ لَقِيَ أَخَاهُ بِمَا يُؤْتِبُهُ أَنْبَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ  | همان                | ۱۸ |
| تأکید بر مهرورزی           | مهرورزی با مردم<br>عقلانی است    | التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ   | همان،<br>ص ۶۴۳      | ۱۹ |
| تحسین و تبلیغ<br>رفق       | رفق در هر امری<br>پسندیده است    | يَا عَائِشَةُ إِنَّ الْفُحْشَ لَوْ كَانَ مُمْتَلًا لَكَانَ مِثَالَ سَوْءٍ إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ قطُّ إِلَّا زَانَهُ وَلَمْ يُرْفَعْ عَنْهُ قطُّ إِلَّا شَانَهُ   | همان،<br>ص ۶۴۸      | ۲۰ |
| تأکید بر تسامح و<br>تساهل  | مختصات رسالت<br>پیامبر: پرهیز از | لَمْ يُرْسَلِنِي اللَّهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنْ بِعَجْنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ  | همان، ج ۵،<br>ص ۴۹۴ | ۲۱ |



|                                 |   |   |                                    |          |
|---------------------------------|---|---|------------------------------------|----------|
|                                 | رهبانیت؛ یکتاپرستی<br>همراه با تسامح و<br>تساهل                         |   |                                    |          |
| تأکید بر حلم و<br>مهربانی       | برتری حلم بر<br>غضب<br>برتری مهربانی بر<br>خشم<br>برتری صدقه بر<br>گناه | الْحِلْمُ يَغْلِبُ الْغَضَبَ وَالرَّحْمَةُ تَغْلِبُ<br>السُّخْطَ وَالصَّدَقَةُ تَغْلِبُ الْخَطِيئَةَ  | همان، ج ۸،<br>ص ۱۴۹                | ۲۲       |
| تأکید بر حلم                    | ترغیب به فرو<br>خوردن خشم با<br>وجود داشتن قدرت<br>بر انجام آن          | يَا عَلِيُّ مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى<br>إِمْضَائِهِ أَغْقَبَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْنًا وَ<br>إِيمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ                                       | من لایحضر<br>الفقیه، ج ۴،<br>ص ۳۵۲ | ۲۳       |
| دوری از ظلم                     | برترین جهاد دوری<br>از ظلم است  | يَا عَلِيُّ أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهُمُّ<br>بِظُلْمِ أَحَدٍ  | همان،<br>ص ۳۵۳                     | ۲۴       |
| دعوت به حلم                     | حلم از مختصات<br>رفتاری پیامبر است                                      | يَا عَلِيُّ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهَكُمْ بِي<br>خُلُقًا... قَالَ أَحْسَنَكُمْ خُلُقًا وَأَعْظَمُكُمْ<br>حِلْمًا وَأَبْرَكُمْ بِقَرَابَتِهِ وَأَشَدُّكُمْ مِنْ<br>نَفْسِهِ إِنْصَافًا | همان،<br>ص ۳۷۰                     | ۲۵       |
| ترویج کظم غیظ<br>تأکید بر مدارا | تحسین فرو خوردن<br>خشم<br>مدارا با مردم کمال<br>عقل است                 | مَنْ يَكْظِمُ الْغَيْظَ يَأْجُرْهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ<br>وَاعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ<br>عَزَّ وَجَلَّ مُدَارَاةُ النَّاسِ                            | همان<br>همان،<br>ص ۳۸۷             | ۲۶<br>۲۷ |
| تأکید بر مدارا با<br>مردم       | داناترین انسانها<br>کسی است که با<br>مردم بیشتر مدارا<br>کند            | أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ  | همان،<br>ص ۳۹۵                     | ۲۸       |
| دعوت به<br>آسانگیری             | محبوبترین دین،<br>دین حنیف سمحه<br>است                                  | أَحَبُّ الدِّينِ إِلَى اللَّهِ الْحَنِيفِيَّةُ السَّمْحَةُ  | صحیح<br>بخاری،<br>ج ۱، ص ۲۸        | ۲۹       |
| دوری از افراط در                | تأکید بر میانه روی و  | إِنَّ الدِّينَ يُسْرٌ، وَلَنْ يُشَادَّ الدِّينَ أَحَدٌ  | همان،                              | ۳۰       |

|                              |  |  |                            |    |
|------------------------------|--|--|----------------------------|----|
| دین                          | نهی از افراط در دین  | إِلَّا غَلَبَتْهُ، فَسَادُوا وَقَارِبُوا، وَأُبْشِرُوا،<br>وَأَسْتَعِينُوا بِالْغَدْوَةِ وَالرَّوْحَةِ وَشَىْءٍ مِّنَ<br>الدَّلِيلَةِ                | ص ۲۹                       |    |
| قلبی بودن ایمان              | اهمیت نیت قلبی   | الاعمال بالنيه   | همان،<br>ص ۳۹              | ۳۱ |
| دعا برای هدایت مشرکین        | دعا برای هدایت مشرکین  | قدم طفیل بن عمرو الدوسی و اصحابه علی النبی فقالوا یا رسول الله إن دوسا عصت و ابت، فادع الله علیها، فقیل هلکت دوس، قال: اللهم اهد دوساً و ائت بهم     | همان، ج ۳،<br>ص ۴۱۱        | ۳۲ |
| تأکید بر حلم و خویشتن داری   | تأکید بر حلم و خویشتن داری   | ... إِنَّ فِيكَ خَصَلَتَيْنِ يُجِهُمَا اللَّهُ: الْجِلْمُ وَالْأَنَاةُ   | صحیح<br>مسلم، ج ۱،<br>ص ۷۶ | ۳۳ |
| نهی از سب و جنگ با مسلمان    | توهین به مسلمان فسق و جنگیدن با او کفر است   | سبب المسلم فسوق و قتاله کفر  | همان،<br>ص ۱۱۶             | ۳۴ |
| قلبی بودن ایمان              | ایمان امری قلبی و درونی است پیامبر مأمور کاویدن دل های مردم و آگاه شدن از درونشان نیست | أَفَلَا شَقَقْتَ عَن قَلْبِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَقَالَهَا أَمْ<br>إِنِّي لَمْ أَمُرْ أَنْ أَنْقُبَ عَن قُلُوبِ النَّاسِ وَ<br>لَا أَشَقَّ بَطُونَهُمْ | همان،<br>ص ۱۳۴             | ۳۵ |
| نهی از کندوکاو در ایمان مردم | پیامبر مأمور کاویدن دل های مردم و آگاه شدن از درونشان نیست                             | إِنَّ اللَّهَ أَمَّ يَبْعَثُنِي مُعْتَبًا، وَلَا مُتَعَبًا، وَلَكِنْ<br>يَبْعَثُنِي مُعَلِّمًا مُسِرًّا  | همان، ج ۲،<br>ص ۶۸۲        | ۳۶ |
| پرهیز از سخت گیری            | پرهیز از سخت گیری و تأکید بر آسان گیری   | بَشِّرُوا و لَا تُنْفِرُوا! و يسروا و لا تعسروا  | همان، ج ۳،<br>ص ۲۲۳        | ۳۸ |
| پرهیز از سخت گیری            | بشارت دادن و متنفّر نکردن  | رب اغفر لقومي فإنهم لا يعلمون  | همان، ج ۳،<br>ص ۲۹۳        | ۳۹ |
| شکیبایی در برابر مخالفان     | دعای خیر در حق مخالفان   | إن الله لا ينظر إلى صوركم و أموالكم<br>ولكن ينظر إلى قلوبكم و أعمالكم  | همان، ج ۴،<br>ص ۲۹۷        | ۴۰ |

|                              |  |   |                                   |    |
|------------------------------|--|---|-----------------------------------|----|
| تشویق و تأکید بر رفق         | تشویق و تأکید بر رفق                                 | مَن يُحَرِّمِ الرِّفْقَ يُحَرِّمِ الْخَيْرَ   | همان،<br>ص ۳۱۷                    | ۴۱ |
| پرهیز از شکنجه و آزار دیگران | مجازات آزاردهندگان در آخرت                           | إِنَّ اللَّهَ يُعَذِّبُ الَّذِينَ يَعَذِّبُونَ فِي الدُّنْيَا   | همان،<br>ص ۳۳۷                    | ۴۲ |
| پذیرش توبه                   | پذیرش توبه   | كَانَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ أَسْلَمَ، ثُمَّ ارْتَدَّ وَكَلِمَ بِالشِّرْكِ، ثُمَّ نَدِمَ فَأَرْسَلَ إِلَى قَوْمِهِ سَأَلُوا لِي رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ، فَجَاءَ قَوْمُهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالُوا: "إِنَّ فُلَانًا نَدِمَ وَإِنَّهُ أَمَرَنَا أَنْ نَسْأَلَكَ هَلْ لَهُ مِنْ تَوْبَةٍ، فَتَزَلْتِ آلُ عِمْرَانَ: ۸۶ إِلَى قَوْلِهِ {عَفَّوْرٌ رَحِيمٌ} [البقرة: ۱۷۳] فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ فَأَسْلَمَ | سنن<br>نسائی، ج ۳،<br>ص ۴۴۴       | ۴۳ |
| امر به عفو                   | پیامبر برای عفو و بخشش فرستاده شده است نه جنگ و ستیز | إِنِّي أُمِرْتُ بِالْعَفْوِ فَلَا تُقَاتِلُوا   | همان، ج ۴،<br>ص ۲۶۴               | ۴۴ |
| صبر در برابر دشمن            | نهی از جنگ طلبی و دعوت به صبر در برابر دشمن          | لَا تَمْنُوا لِقَاءَ الْعَدُوِّ إِذَا لَقِيتُمُوهُمْ فَاصْبِرُوا  | همان، ج ۸،<br>ص ۳۰                | ۴۵ |
| تأکید بر رفق                 | تأکید بر رفق در برخورد با مردم                       | اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي شَيْئًا فَرَّقَ بِهِمُ فَارْفُقْ بِهِ   | همان، ج ۸،<br>ص ۱۴۲               | ۴۶ |
| تأکید بر رفق                 | تأکید بر رفق در مواجهه با مخالفان عقیدتی             | أَخْبَرَنَا... أَنَّ رَهْطًا، مِنَ الْيَهُودِ دَخَلُوا عَلَى النَّبِيِّ فَقَالُوا: السَّامُ عَلَيْكَ قَالَ النَّبِيُّ: «عَلَيْكُمْ» فَقُلْتُ: بَلْ عَلَيْكُمْ السَّامُ وَاللَّعْنَةُ، قَالَ النَّبِيُّ: «يَا عَائِشَةُ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفْقَ فِي الْأَمْرِ كُلِّهِ»  | همان، ج ۹،<br>ص ۱۴۸               | ۴۷ |
| دعوت به صبر                  | دعوت به صبر  | التَّوَدُّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، إِلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ   | سنن<br>أبي داود،<br>ج ۷،<br>ص ۱۸۷ | ۴۸ |

|                                  |  |  |                                    |    |
|----------------------------------|--|--|------------------------------------|----|
| عصیت یعنی یاری قومت در برابر ظلم | عصیت یعنی یاری قومت در برابر ظلم       | یا رسولَ الله، ما العَصِيَّةُ؟ قال: أن تُعِينَ قَوْمَكَ عَلَى الظُّلْمِ  | همان،<br>ص ۴۴۰                     | ۴۹ |
| نهی از تعصب                      | نهی از تعصب                            | لَيْسَ مِنَّا مَنْ دَعَا إِلَى عَصِيَّةٍ، وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ قَاتَلَ عَلَى عَصِيَّةٍ، وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ مَاتَ عَلَى عَصِيَّةٍ                     | همان،<br>ص ۴۴۱                     | ۵۰ |
| تأکید بر رفق                     | تأثیر رفق در برخورداری از خیر          | مَنْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنَ الرِّفْقِ فَقَدْ أُعْطِيَ حَظَّهُ مِنَ الْخَيْرِ، وَمَنْ حُرِمَ حَظَّهُ مِنَ الرِّفْقِ فَقَدْ حُرِمَ حَظَّهُ مِنَ الْخَيْرِ | ترمذی،<br>ج ۴،<br>ص ۳۶۷            | ۵۱ |
| دعوت به نرم‌خویی و تساهل رفتاری  | آتش دوزخ بر آسان‌گیر و نرم‌خو حرام است | أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَحْرُمُ عَلَى النَّارِ أَوْ بِمَنْ تَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ، عَلَى كُلِّ قَرِيبٍ هَيِّنٍ سَهْلٍ                           | همان،<br>ص ۶۵۴                     | ۵۲ |
| دعوت به تعامل نیکو با دیگران     | تأکید بر انجام همه کارها با رفق        | إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ، وَ يُعْطِي عَلَيْهِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ   | سنن<br>ابن‌ماجه،<br>ج ۲،<br>ص ۱۲۱۶ | ۵۳ |
| دوری از تعصب و عصیت              | دوری از تعصب و عصیت                    | مَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَأْيِهِ عَمِيَّةٍ، يَدَّعُو إِلَى عَصِيَّةٍ، أَوْ يَغْضَبُ لِعَصِيَّةٍ، فَقَتَلْتَهُ جَاهِلِيَّةً                                 | سنن<br>ابن‌ماجه،<br>ج ۲،<br>ص ۱۳۰۲ | ۵۴ |

۲-۱. کدبندی و نام‌گذاری الگوهای رفتاری مبتنی بر تحمل در سیره نظری پیامبر(ص)  
 پس از شناسایی احادیث، مضامین نهفته در آنها استخراج و مضمون‌های مشابه تلفیق شد تا براساس آن بتوان به تحلیل روایات پرداخت. بررسی کدها و مضامین احادیث نبوی منجر به شناسایی الگوهای رفتاری و اندیشه‌ای شد که به شکل تلویحی معنای تحمل عقیده در روابط انسان‌ها با یکدیگر را در سطح فکری و اجتماعی بازتولید می‌کند. با دسته‌بندی این الگوهای رفتاری می‌توان به تحلیل مضمونی احادیث پرداخت.

۳-۱. طبقه‌بندی و نام‌گذاری الگوهای رفتاری مبتنی بر تحمل

| طبقه‌بندی و نام‌گذاری               | الگوهای اندیشه‌ای و رفتاری                                     |
|-------------------------------------|--|
|                                     | امنیت و آرامش فرد در گرو مدارا با دیگران است                   |
|                                     | خداوند فرمود با مردم به مدارا رفتار شود                        |
|                                     | مدارا نصف ایمان است  |
|                                     | رفق نصف زندگی است  |
|                                     | رفق یمن است  |
|                                     | مدارا موجب فزونی و برکت است                                    |
|                                     | رفق نیکوترین آفریده خداست                                      |
|                                     | مدارا با مردم کمال عقل است                                     |
|                                     | شکیبایی در برابر مخالفان عقیدتی امری پسندیده است               |
|                                     | نرم‌خویی و تساهل رفتاری آتش جهنم را سرد می‌کند                 |
| رفق امری مورد پسند پروردگار است     |  |
| تأکید بر رفق در دین                 | دین متین است، با رفق در آن وارد شوید                           |
|                                     | مدارا با مردم نصف ایمان است                                    |
|                                     | محبوب‌ترین دین، دین حنیف سمحه است                              |
|                                     | رسالت پیامبر مبتنی بر یکتاپرستی همراه با تسامح و تساهل است     |
|                                     | رأس عقل بعد از ایمان مدارا با مردم است                         |
| نهی از تعصب و ظلم و نکوهش آن        | تعصب ایمان را محو می‌کند                                       |
|                                     | عصیت رفتاری نکوهش شده است                                      |
|                                     | برترین جهاد دوری از ظلم است                                    |
|                                     | در دین بر میانه‌روی تأکید و از افراط نهی شده است               |
|                                     | بشارت دهید و متنفر نکنید                                       |
| فرو خوردن خشم و دوری از سبّ و خشونت | فرو خوردن خشم با وجود داشتن قدرت بر آن امری پسندیده است        |
|                                     | ناسزاگویی به مؤمن فسق و قتل او کفر و غیبت کردن از او معصیت است |
|                                     | حلم بر غضب برتری دارد  |
|                                     | مهربانی بر خشم برتری دارد                                      |
|                                     | خرق شوم است  |

|  |   |
|--|---|
| <p>اهمیت اعمال به نیت است<br/>آیا قلبش را شکافتی تا نیت درونی اش را دریابی<br/>خداوند قلبتان و اعمالتان را می‌نگرد<br/>پیامبر مأمور کاویدن دل‌های مردم و آگاه شدن از درونشان نیست</p>                    | <p>قلبی بودن ایمان</p>                    |
| <p>به دنبال لغزش‌های مسلمانان نباشید<br/>از یکدیگر عیب‌جویی نکنید<br/>از سرزنش کردن یکدیگر بپرهیزید</p>  | <p>نهی از عیب‌جویی و لغزش از دیگران</p>   |
| <p>پیامبر برای بخشش فرستاده شده است، نه جنگ و ستیز<br/>در آرزوی ملاقات با دشمن نباشید و در مواجهه با آنها صبور باشید<br/>عفو و گذشت بر عزت و سرافرازی بنده می‌افزاید و شما را نزد خداوند عزیز می‌کند</p> | <p>تأکید بر بخشش و دوری از جنگ و ستیز</p> |

#### ۴-۱. تحلیل الگوهای رفتار تحمیلی در روایات پیامبر(ص)

الگوهای رفتاری در شش گروه کدبندی و نام‌گذاری شده‌اند. در ادامه، برای تحلیل روایات بار دیگر برخی از این مضامین با مضامینی که دارای قرابت معنایی بودند، تلفیق شدند و معیار تحلیل قرار گرفتند.

##### ۴-۱-۱. همراهی دین با رفق و تأکید بر آن

تأکید بر رفق و مدارا در روابط انسانی اهمیت زیادی در حل تعارض‌ها و اختلافات دارد. تنوع عقیدتی، ارزش‌های متفاوتی را در جامعه برجسته می‌کند که ممکن است از نظر گروه‌های مختلف پذیرفتنی نباشد؛ بنابراین تأکید آموزه‌های دینی بر مضامینی چون شکیبایی، حلم و رفق در مواجهه با ارزش‌های دیگران، به شکل‌گیری الگوهای رفتار تحمیلی منجر می‌شود که همزیستی مسالمت‌آمیز عقیده‌های مختلف در جامعه را امکان‌پذیر می‌سازد.

در احادیث قرار گرفتن واژه‌های رفق و مدارا در کنار واژه دین، نشان از ارتباط و پیوند این دو مفهوم با یکدیگر دارد (کلینی، ۱۴۱۱: ۸۶/۲، ۱۱۷، ۳۰۸). تفسیر امام صادق(ع) از روایت «مَدَارَةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ...» مؤید این تحلیل است (کلینی، ۱۴۱۱: ۱۱۷/۲). همراهی و برابری رفق با انجام فرایض و تبلیغ رسالت (کلینی، ۱۴۱۱: ۱۱۷/۲)، نشان از جایگاه رفق در زمان تبلیغ آموزه‌های دینی و انجام فرایض دارد. اینکه رفق و مدارا با کمال عقل (شیخ صدوق: ۱۳۹۰ش: ۴/ ۲۷۶، ۲۸۱)، ایمان و نصف زندگی (کلینی: ۱۴۱۱هـ: ۱۱۷/۲) برابر دانسته

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۱۵۷

شده و از خرق و عنف که از نظر مفهومی در نقطه مقابل رفق و مدارا قرار دارند، نهی شده است (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۹/۲، ۳۲۱)، نشانه تأکید بر رفق است. از طرفی در مواجهه با اهانت فرد یهودی به پیامبر و اعتراض عایشه بر این امر، از سوی پیامبر دو حدیث در زمینه رفق و مدارا ذکر شده است که نشانه کاربست رفق و تأکید بر آن در مواجهه با مخالفان است (کلینی، ۱۴۱۱: ۶۴۸/۲؛ نسائی، ۱۴۲۱ق: ۱۴۸/۹). بنابراین مضمون این روایات دوری از خرق و عنف در تبلیغ دین و رعایت رفق و مدارا در مواجهه با عقاید دیگران است. علاوه بر این، سیره عملی پیامبر نیز مؤید این امر است. مدارا با مشرکان در صلح حدیبیه و فتح مکه نمود بارز دارد (ابن هشام، [بی تا]: ۳۱۷/۲، ۴۰۹).

دلیل اهمیت رفق در روابط انسانی از نظر پیامبر این است که مدارا با دیگران باعث حفظ انسان از آزار دیگران، امنیت و آرامش وی می‌شود. با مدارا است که می‌توان از آسیب به واسطه جهل دیگران حذر کرد و به کمال مطلوب رسید (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۶/۲). به گفته پیامبر(ص) دین خداوند محکم و متین است و باید با رفق به آن وارد شد (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۸۶/۲). تأکید و تکرار مضامین مبتنی بر رفق و مدارا در روایات مختلف، می‌تواند مبین این فرض باشد که رفق و مدارا یک اصل اساسی در اسلام است. پیامبر این دین برای بخشش و رحمت فرستاده شده است، نه جنگ و ستیز (کلینی، ۱۴۱۱: ۳۰/۸). بر همین اساس، به مسلمانان گفته می‌شود در مواجهه با دشمنان صبور باشند و گذشت و عفو را فراموش نکنند (کلینی، ۱۴۱۱: ۱۰۸/۲، ۳۷۷). تبلیغ چنین مضامینی در مواجهه با مخالفان، نشانگر تلاش برای ترویج الگوهای رفتاری مبتنی بر تحمل عقیده در سطح جامعه است. این امر به وضوح نقش دین در بالا بردن سطح تحمل افراد در مواجهه با اندیشه‌های مخالف را نشان می‌دهد.

#### ۱-۴-۲. دوری از تعصب و خشونت در برخورد با دیگران

تأثیر آموزه‌های دین بر افزایش تعصب و خشونت، از جمله مباحث مطرح در مطالعات جدید است. بنابراین تحقیقات تعصب و جزمیت در آموزه‌های دینی، سطح تحمل مذهبی پیروان را کاهش و خشونت را افزایش می‌دهد (Burch-Brown & Baker, 2016: 785)؛ زیرا دین نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد جامعه دارد. در حقیقت، افراد با شیوه‌ها و الگوهای دینی، جهان اجتماعی را فهم می‌کنند (Burch-Brown & Baker, 2016: 789). بنابراین اگر دینی بر دوری از مفاهیمی چون تعصب و خرق تأکید کند، می‌تواند به کاهش دیدگاه‌های تعصب‌آمیز کمک کند. بررسی روایات پیامبر(ص) از این منظر نشان می‌دهد که او ضمن تأکید بر میانه‌روی و دوری از افراط (بخاری، ۱۳۹۱ش: ۲۹/۱)، به پرهیز از تعصب و عصبیت

سفارش می‌کرد. تأکید و ترویج مفاهیمی از این قبیل که «تعصب عامل خروج از ایمان است» (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۸/۲)، «هر کس تعصب ورزد، از ما نیست» (أبی‌داود، ۱۳۹۵: ۳۳۲/۴) و «جزای متعصب همنشینی با اعراب جاهلی در قیامت است» (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۸/۲)، می‌تواند به تولید الگوهای رفتار تحمیلی منجر شود. اینکه تعصب عامل خروج از ایمان معرفی شده، بیانگر آن است که از دیدگاه پیامبر، ایمان همراه با تعصب که در قرآن از آن با عنوان «حمیت جاهلی» (سوره الفتح، آیه ۲۶) نام برده شده است، هیچ‌گونه ارزشی ندارد. تعصب در عقیده است که به تحمیل عقیده منجر می‌شود. بنابراین تأکید بر حذف تعصب در ایمان، نشانگر باور پیامبر به تحمل عقیده است. از نظر او، عصیت تنها زمانی پذیرفته است که به واسطه آن حق مظلومی از ظالمی گرفته شود (أبی‌داود، ۱۳۹۵: ۱۳۶/۴).

تأکید پیامبر(ص) بر فرو خوردن خشم (شیخ صدوق، ۱۳۹۰: ۳۵۲/۴)، پرهیز از ناسزاگویی (کلینی، ۱۴۱۱: ۶۴۸/۲) و تبلیغ حلم (کلینی، ۱۴۱۱: ۱۴۹/۸) و مهربانی (کلینی، ۱۴۱۱: ۶۴۳/۲) در ارتباط با دیگران نیز در حقیقت راهکاری مؤثر برای تقویت «روحیه تحمل‌پذیری» در افراد است. نهادینه شدن این الگوی رفتاری در افراد سبب می‌شود تا در زمان مواجهه با آنچه نمی‌پسندند، با وجود داشتن قدرت برای مقابله با آن، خشم خود را کنترل کنند و سطح تحمل بیشتری نشان دهند.

### ۱-۴-۳. قلبی بودن ایمان و عدم تجسس در امور دیگران

در روایات پیامبر(ص) قلبی بودن ایمان به عنوان اصلی بدیهی پذیرفته شده است. قلبی بودن ایمان به این معناست که به اجبار نمی‌توان ایمان را به قلب کسی وارد یا از آن خارج کرد. بر این اساس، پیامبر(ص) فرمود: «الاعمال بالنية» (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳ش: ۳۹/۱). در یکی از سربها اسامه‌بن زید فردی را که «لا اله الا الله» گفته بود، کشت. زمانی که پیامبر(ص) از او علت این عمل را جویا شد، گفت این فرد از ترس سلاح و برای رهایی خود شهادتین را به زبان آورده است. پیامبر(ص) فرمود: «آیا قلب او را شکافتی تا نیت قلبی او را دریابی؟» (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳ش: ۱۳۴/۱). همچنین در روایتی دیگر آمده است که مسلمانان به پیامبر(ص) گفتند اگر کسانی را که بر آنها قدرت داری، مجبور به پذیرش اسلام می‌کردی، تعداد ما بیشتر می‌شد و بر دشمنانمان غلبه می‌کردیم. پیامبر(ص) فرمود: «من نمی‌خواهم خداوند را با بدعتی که در مورد آن دستوری به من نداده است، ملاقات کنم و من از متکلفین نیستم» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ۱۳۵). این دو روایت به روشنی نشان می‌دهد که در باور پیامبر(ص) ایمان امری قلبی بوده و هرگونه اجبار و قضاوتی درباره ایمان افراد، از اختیار



انسان خارج است؛ زیرا امر دین بر مدار دعوت و اختیار است. پذیرش اصل قلبی بودن ایمان، از یک سو نافی هر گونه اجبار افراد برای پذیرش دین و از سوی دیگر، نافی هر گونه تجسس و تفتیش در عقاید و سرکشی در زندگی دیگران است. در روایات زیادی از پیامبر(ص) به این اصل اشاره شده است: «هر کس بگوید هیچ معبود راستینی جز الله وجود ندارد و هر آنچه را غیر خداست کنار نهد، جان و مالش در امان است و حساب او با خداست (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳ش: ۸۳/۱)». بنابراین کسی حق ندارد به تجسس در زندگی دیگری بپردازد. پیامبر(ص) فرموده است: «ای جماعتی که به زبان اسلام آورده و به دل اسلام نیآورده‌اید! به دنبال لغزش‌های مسلمانان نباشید؛ که هر کس لغزش‌های مسلمانان را دنبال کند، خداوند لغزش او را پی می‌گیرد و هر کس که خداوند او را عیب‌جویی کند، رسوایش می‌سازد» (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۵/۲). در این روایات بر دو اصل عدم تجسس و قلبی بودن ایمان تأکید شده است. پیامبر(ص) همچنین فرمود: «هر کس زشت‌کاری و گناهی را فاش کند، مانند کسی است که آن را انجام داده است و هر که مؤمنی را به چیزی سرزنش کند، نمیرد تا خود مرتکب آن شود» (کلینی، ۱۴۱۱ق: ۳۵۶/۲). در حدیث قبل مشخص نبود که منظور از لغزش چیست، ولی روایت اخیر به وضوح آشکار می‌کند که مسلمانان از فاش کردن هرگونه لغزشی، چه دینی و چه غیردینی، اکیداً نهی شده‌اند.

بررسی احادیث پیامبر به شناسایی الگوهای رفتار تحملی در مناسبات میان انسان‌ها با یکدیگر منجر شد که نشان از اهمیت رفق و مدارا و مداخلیت کامل آن در امور دنیایی و مناسبات اجتماعی، به‌ویژه در بحث امر به معروف و نهی از منکر دارد که از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی است. با رفق و مداراست که انسان می‌تواند در قلوب مردم تصرف و آنها را خاضع و رام کند. با شدت و عنف، چنین امری ممکن نیست (خمینی، ۱۳۸۲: ۳۱۵-۳۱۶).

## ۲. تحلیل مضمونی تحمیل عقیده در روایات پیامبر(ص)

در میان احادیث پیامبر(ص) گزاره‌هایی وجود دارد که تلویحاً از آنها الگوهای رفتار تحمیلی استخراج می‌شود. در این بخش به شناسایی و استخراج احادیثی پرداخته شد که از نظر مفهومی در نقطه مقابل رفق، مدارا و حلم قرار می‌گیرند و مضامینی چون خرق، خشونت مذهبی و اجبار در عقیده را منعکس می‌کنند. در ادامه، به شناسایی این احادیث و سپس تحلیل آنها پرداخته شده است.

۲-۱. جدول شناسایی مضامین روایات تحمیلی پیامبر

| ردیف | منبع                     | گزاره   | کد   | مضمون          |
|------|--------------------------|---|--|----------------|
| ۱    | صحیح مسلم، ج ۱، ص ۸۱     | أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ   | فرمان نبرد با مردم تا زمانی که به یگانگی خداوند اقرار کنند | تحمیل عقیده    |
| ۲    | همان، ص ۱۸۴              | و الذى نفسُ محمدٍ بيده لا يسمع بى احدٌ من هذه الأمة يهودى ولا نصرانى ثم يموت و لم يؤمن... كان به اصحاب النار  | پیروان ادیان دیگر اصحاب النار هستند                        | انذار          |
| ۳    | همان، ج ۳، ص ۲۵۸         | لأُخْرِجَنَّ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى مِنَ جَزِيرَةِ الْعَرَبِ حَتَّى لَا دَعَّ إِلَّا مُسْلِمًا  | بیرون کردن غیرمسلمانان از جزیره العرب                      | عدم تحمل عقیده |
| ۴    | همان، ج ۳، ص ۴۱۸         | من مات و لم یغز و لم یحدث به نفسه مات على شعبه من النفاق  | اهمیت جهاد   | تأکید بر جهاد  |
| ۵    | بخاری، ج ۳، ص ۳۵۹        | و اعلموا ان الجنة تحت ظلال السيوف   | بهشت زیر سایه شمشیر است                                    | اهمیت جهاد     |
| ۶    | السنن، نسائی، ج ۳، ص ۴۴۰ | لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِإِحْدَى ثَلَاثٍ: رَجُلٌ زَنَى بَعْدَ إِحْصَانِهِ فَعَلَيْهِ الرَّجْمُ، أَوْ قَتَلَ عَمْدًا فَعَلَيْهِ الْقَوْدُ، أَوْ ارْتَدَّ بَعْدَ إِسْلَامِهِ فَعَلَيْهِ الْقَتْلُ | کشتن مرتد  | عدم تحمل عقیده |
| ۷    | همان، ص ۴۴۱              | مَنْ بَدَلَ دِينَهُ فَأَقْتُلُوهُ   | کشتن مرتد  | عدم تحمل عقیده |
| ۸    | سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۵۹ | جاهدوا المشركين بأموالكم وأنفسكم وألسنتكم   | جهاد با مشرکین   | عدم تحمل عقیده |

|                |  |   |                           |    |
|----------------|--|---|---------------------------|----|
| عدم تحمل عقیده | کسی که حتی آیه‌ای از قرآن را انکار کند، بکشد | مَنْ جَحَدَ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ فَقَدْ حَلَّ ضَرْبَ غُنْفِهِ،<br>وَمَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ فَلَا سَبِيلَ لِأَحَدٍ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ يُصِيبَ حَدًّا فَيُقَامَ عَلَيْهِ | سنن ابن‌ماجه، ج ۲، ص ۸۴۸  | ۹  |
| تحميل عقیده    | مردم را چیزی جز شمشیر درست نکند              | الخير كله في السيف وتحت ظل السيف ولا يقيم الناس إلا السيف، و السيوف مقاليد الجنة و النار  | تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۱۲۲ | ۱۰ |
| فضيلت جهاد     | فضيلت جهاد                                   | المُجَاهِدُ فِي سَبِيلِي هُوَ عَلَى ضَامِنٍ،<br>إِنْ قَبِضْتَهُ أَوْرَثْتَهُ الْجَنَّةَ، وَإِنْ رَجَعْتَهُ رَجَعْتَهُ بِأَجْرٍ أَوْ غَنِيمَةٍ   | سنن ترمذی، ج ۴، ص ۱۶۴     | ۱۱ |

## ۲-۲. طبقه‌بندی و نام‌گذاری الگوهای رفتاری و اندیشه‌ای(ص)

برخی روایات پیامبر(ص) تلویحاً متضمن مفهوم تحميل عقیده است؛ از آن جمله می‌توان به روایاتی که درباره عدم پذیرش ادیان دیگر، کشتن مرتد، ستایش شمشیر و جهاد است، اشاره کرد. روایات پیامبر(ص) که مضامین تحمیلی دارد، در دو دسته طبقه‌بندی و تحلیل شده است.

## ۳-۲. طبقه‌بندی و نام‌گذاری الگوهای رفتاری مبتنی بر تحمل

| الگوهای رفتاری و اندیشه‌ای   | کدبندی و نام‌گذاری         |
|--|----------------------------|
| پیروان سایر ادیان که پیام اسلام را شنیده‌اند، اصحاب‌النارند بیرون کردن غیرمسلمانان از جزیره‌العرب  | عدم تحمل ادیان دیگر        |
| پاداش برای کسانی که در راه خدا می‌جنگند  | جهاد با مشرکین و کشتن مرتد |
| مردم را چیزی جز شمشیر درست نمی‌کند   |                            |
| نبرد با انسان‌ها تا زمانی که به یگانگی خداوند اقرار کنند<br>کشتن کسی که دینش را تغییر دهد<br>کشتن کسی که حتی آیه‌ای از قرآن را انکار کند |                            |

## ۲-۴. تحلیل الگوهای رفتار تحمیلی در روایات پیامبر

مضامین برای سهولت در تحلیل، در دو دسته طبقه‌بندی و نام‌گذاری شد. در ادامه، به بررسی این مضامین پرداخته شده است.

### ۲-۴-۱. عدم تحمل ادیان دیگر و اخراج یهود

در صحیح مسلم روایتی از پیامبر(ص) مبنی بر اخراج یهود و نصارا (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳ش: ۲۵۸/۳) وجود دارد که مضمون آن عدم تحمل باورهای دیگر ادیان و اخراج آنهاست. در قرآن در آیه ۲ سوره حشر به اخراج یهودیان اشاره شده است، ولی طبق نظر مفسران، مراد از کفار یهود در این آیه یهودیان بنی‌نضیرند که به علت نقض پیمانی که با مسلمانان داشتند، محکوم به جلای وطن شدند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۱/۱۹). روایت صحیح بخاری نیز مؤید همین امر است (بخاری، ۱۳۹۱: ۵۴۷/۳). در سیره عملی پیامبر نیز چنین اخراج و تبعیدی درباره بنی‌نضیر گزارش شده است (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۶۸۳/۳). این امر نشان می‌دهد که منظور تمام یهودیان و نصارا نبوده است؛ زیرا در این صورت سخن او در تعارض آشکار با قرآن قرار می‌گیرد (سوره مائده، آیات ۴۸، ۶۹؛ سوره حج، آیه ۶۷؛ سوره عنکبوت، آیه ۴۶ و غیره).

از طرفی این حدیث با رویکرد پیامبر(ص) در مسئله آزادی عقیده در قانون اساسی مدینه نیز در تعارض است. در این متن که در واقع توافق‌نامه کتبی بین جوامع مذهبی مختلف و قبایل مدینه است، هیچ اشاره‌ای به محدودیت مذهبی نشده است (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۵۰۱/۱). در این قانون اساسی، مدینه به عنوان جامعه‌ای چندمذهبی پذیرفته شده بود که در آن هر بخشی، از قوانین خاص خود تبعیت می‌کرد. در بندی از پیمان‌نامه به صراحت بیان شده است که یهود بنی‌عوف و بستگانش امتی همراه با مسلمانان‌اند، دین یهود از آن ایشان و دین مسلمانان از آن مسلمانان است؛ مگر کسی که با پیمان شکنی ستم کند و راه گناه در پیش گیرد (ابن‌هشام، [بی‌تا]: ۵۰۳/۱). همچنین روایت پیامبر مبنی بر اصحاب النار خواندن یهود و نصارا هم مصداق تحمیل عقیده نیست؛ زیرا متضمن مفهوم انذار و نشان‌دهنده مخالفت او با عقاید یهود و نصارا است.

### ۲-۴-۲. جهاد با مشرکین و کشتن مرتد

یکی از مسائلی که تحمل عقیده در اسلام را به چالش می‌کشد، مسئله جهاد است. جهاد از

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۱۶۳

مفاهیمی است که برداشت‌های اشتباه از آن، باعث شکل‌گیری گروه‌های جهادی افراطی در درون جوامع اسلامی شده است. تنها منبع قابل اعتماد برای تفسیر مفهوم جهاد و قتال، قرآن است. در قرآن امر قتال و جهاد درباره مشرکین مکه نازل شده است که مسلمانان را شکنجه و از شهر و دیار خود بیرون کرده بودند (سوره بقره، آیات ۱۹۰-۱۹۵؛ سوره توبه، آیات ۱۳-۱۵). آیات ۳۹ و ۴۰ سوره حج این تحلیل را تقویت می‌کند. در این آیات، اجازه قتال فقط به کسانی داده شده که جنگ به آنها تحمیل شده است؛ یعنی کسانی که مورد ظلم قرار گرفته و به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شده‌اند. روایات پیامبر(ص) مبنی بر جنگ و جهاد با مشرکین نیز در همین راستا باید تفسیر شود؛ یعنی جنگ با کسانی که به مسلمانان ستم کردند و به سبب عقیده‌شان، آنان را مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند.

مضامین روایات پیامبر(ص) در زمینه جهاد، از چند منظر قابل بررسی و تحلیل است: در کتاب‌های روایی عنوان «فضیلت جهاد» بخش گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳ش: ۲۲۲/۳) که شامل روایاتی در توصیه و ترغیب به جهاد است؛ از آن جمله می‌توان به «الحرب خدعه» (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳ش: ۲۲۷/۳)، «أَعَدَّ اللَّهُ لِمَنْ خَرَجَ فِي سَبِيلِهِ لَأُخْرِجَهُ إِلَّا جِهَادٌ فِي سَبِيلِي... فَهُوَ عَلَى ضَامِنٍ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ...» (ابن ماجه، [بی تا]: ۹۲۰/۲)، «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَمَهُ وَ جَعَلَهُ نَصْرَهُ وَ نَاصِرَهُ وَ اللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا وَ لَأَ دِينٌ إِلَّا بِهِ» (کلینی، ۱۴۱۱: ۸/۵) و غیره اشاره کرد. در تحلیل این روایات، توجه به دو نکته لازم است: اول اینکه این گزاره‌ها در شرایط جنگی تولید شده‌اند و جامعه زمان پیامبر(ص) به‌طور مداوم با جنگ درگیر بوده است؛ بنابراین برای تولید انگیزه، صدور چنین مفاهیمی و مقدس کردن آن ضروری است. از طرف دیگر، بیشتر جنگ‌های پیامبر با هدف دفاع از اسلام و مسلمانان صورت گرفته است (عبدالمحمدی، ۱۳۹۱: ۷-۴۱). بدین ترتیب، منظور جهادی است که در دفاع از اسلام و کیان جامعه باشد. جهادی از نظر پیامبر ارزشمند است که در راه خدا و برای خداوند باشد (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳ش: ۴۱۳/۳؛ بخاری، ۱۳۹۱: ۳۵۵/۳) نه برای کسب غنیمت، تعصب یا شهرت که از نظر او چنین جهادی ثوابی ندارد (مسلم بن حجاج، همان، ۳۹۷).

افزون بر این، جهاد در راه خداوند همیشه به معنای نبرد با مشرکان یا مخالفان نیست، بلکه به گفته پیامبر(ص)، مؤمنی که در دره‌ای از دره‌ها خداوند را عبادت کند و مردم را از شر خود در امان دارد نیز در حال جهاد (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳ش: ۴۰۰/۳؛ ابوداود، ۱۴۳۰ق: ۱۴۲/۴) اکبر، یعنی جهاد با نفس است (کلینی، ۱۴۱۱: ۱۲/۵).

بررسی روایت «أمرتُ أن أقاتِلَ الناسَ حتى يقولوا لا اله الا الله» نیز نشان می‌دهد که گزاره مشابه با این حدیث، از سوی پیامبر در جنگ خیبر و در جواب فردی که از پیامبر پرسید «علی ماذا اقاتل الناس؟» مطرح شده است (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳: ۸۱/۱). بنابراین گزاره در شرایط خاص و در صحنه پیکار با دشمن تولید شده و منظور از آن مشخص کردن زمان پایان نبرد با دشمن است.

ارتداد از دیگر مباحثی است که با تحمل مذهبی در تعارض است. در آیات متعددی از قرآن به بازگشت از دین اشاره شده است، ولی در هیچ یک مجازات مرتد قتل نیست. در این آیات، تنها از مجازات‌های سخت اخروی صحبت شده و اشاره‌ای به مجازات دنیایی افراد نشده است (سوره نحل، آیه ۱۰۶؛ سوره نساء، آیه ۱۳۷؛ سوره مائده، آیات ۵، ۵۴؛ سوره محمد، آیه ۲۵، سوره بقره، آیه ۲۱۷). مقدس اردبیلی نیز در کتاب *مجمع الفائده* با بیان «فدلیله من الكتاب غیر ظاهر»، بر این امر صحنه گذاشته است ([بی تا]: ۳۱۹/۱۳).

با وجود این، برخی فقهای شیعه (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ش: ۲۸۱/۷؛ نجفی الجواهری، ۱۳۶۲ش: ۴۱، ۶۰) و سنّی (الجزیری، ۱۴۲۴ق: ۳۷۳/۵) مجازات ارتداد را بسته به احراز شرایط خاص، مرگ دانسته و برای اثبات آن به احادیثی از پیامبر ارجاع داده‌اند. پیامبر(ص) در حدیثی فرمود: «مَنْ بَدَلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ» (نسائی، ۱۴۲۱ق: ۴۴۱/۳). در حدیثی دیگر نیز ارتداد به عنوان یکی از سه شرط جایز برای کشتن فرد معرفی شده است (همو، همان، ۴۴۰). این دو حدیث موجب چنین تصمیم‌گیری‌ای شده است.

برخی متفکران دینی متأخر به دلایلی حکم قتل مرتد را رد کرده‌اند. به نظر شیخ عبدالرحمان (متوفای ۱۹۹۰) قاضی پاکستانی، حدیث «مَنْ بَدَلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ» خبر واحد غریب و ضعیف است. از طرف دیگر، وی معتقد است نه پیامبر(ص) و نه صحابه کسی را به اجبار به ایمان فرا خوانده‌اند و فقط به علت تغییر عقیده، کسی را به مرگ محکوم نکرده‌اند (Kamali, 1997: 93)؛ که البته درباره صحابه این حرف درست نیست؛ زیرا جنگ‌های رده در زمان ابوبکر با افرادی بود که از دین برگشته بودند (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳ش: ۸۱/۱).

محسن کدیور نیز حکم قتل مرتد را رد کرده است. او معتقد است مستند احکام درباره اعدام مرتد، چون خبر واحد غریب‌اند و حجیت‌آور نیستند. علاوه بر آن، هم با آیه «لا اکراه فی الدین» و هم با نبود مجازات دنیوی برای مرتد در قرآن، معارض است. به اعتقاد او، در صورت پذیرش این امر، اقامه آن منوط به حضور معصوم است (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۲۸).

گفتنی است در زمان پیامبر(ص) کسانی که مرتد و به مرگ محکوم شدند، افرادی بودند که به جز ارتداد، گناهان دیگری نیز داشتند. حارث بن سُوید در روز احد دو تن از انصار را به

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۱۶۵

علت خونی که در جاهلیت ریخته بودند، کشت و با کافران به جنگ مسلمانان آمد. سپس برادرش جلاس را واسطه کرد تا از پیامبر پرسد که اگر توبه کند، توبه او مورد قبول است؟ که توبه وی پذیرفته نشد (ابن هشام، [بی تا]: ۵۲۱/۱). فرد دیگر مقیس بن صبابه است که به مدینه آمد و اعلام مسلمانی کرد و خواستار دینه برادرش شد که مسلمانان به خطا کشته بودند. پیامبر دینه برادرش را پرداخت کرد، ولی او قاتل برادرش را کشت و به مکه رفت و مرتد شد (همو، همان، ۲۹۳/۲).

این حقیقت که بیشتر کسانی که در دوران پیامبر به عنوان مرتد محکوم به مرگ شدند، کسانی بودند که علاوه بر تغییر دین، خطاهای دیگری نیز داشتند، نشان می دهد که صرف تغییر عقیده، باعث حکم قتل نبوده است. علاوه بر آن، سعد بن ابی سرح که فقط دینش را تغییر داده بود و خون قصاصی بر ذمه اش نبود، با وساطت عثمان بن عفان بخشیده شد (ابن هشام، [بی تا]: ۴۰۹/۲). در سنن نسائی نیز روایتی آمده است که نشان از بخشش فردی مرتد توسط پیامبر دارد (نسائی، ۱۴۲۱: ۴۴۴/۳).

جوادی آملی در تلطیف مسئله ارتداد، بحث اسلام روان شناختی و اسلام معرفت شناختی را مطرح کرده و حکم ارتداد را مربوط به اسلام معرفت شناختی دانسته است. منظور او از اسلام روان شناختی، همان اسلام وراثتی است که فرد به سبب تولد در خانواده ای مسلمان، اسلام را پذیرفته است و معرفتی نسبت به آن ندارد. به زعم او، این فرد در صورت انکار دین، ممکن است از نظر شارع دین مرتد نباشد (قراملکی، ۱۳۸۱: ۶۱-۹۲). بنابراین پاسخ های متفاوتی به حکم ارتداد داده شده است و بحث و نظر درباره آن همچنان ادامه دارد.

### نتیجه گیری

بررسی و تحلیل احادیث پیامبر(ص) در سطح شناسایی، کدگذاری و مضمون یابی نشان می دهد که فراوانی احادیثی که مضمون آنها تحمل عقیده دیگری است، نسبت به دسته دیگر که بر تحمل عقیده دلالت دارد، بیشتر است. تحلیل احادیث تحمیلی نشان از آن دارد که این احادیث در زمانی خاص و معطوف به شرایط خاص تولید شده اند و باید با توجه به همان شرایط تفسیر شوند.

اصلی ترین شاخص رفتار تحمیلی، بردباری در برابر عقاید مخالف است که در روایات پیامبر بر آن بسیار تأکید شده است. همراهی رفیق و مدارا با دین و ایمان، در کنار نهی از تعصب، ظلم و نکوهش آن، قلبی بودن ایمان، فرو خوردن خشم و دوری از سب و خشونت و هرگونه تجسس و تفتیش در عقاید و سرکشی در زندگی دیگران، مبین اهمیت و جایگاه رفیق

و مدارا در مواجهه با عقاید دیگران است.

پیامبر(ص) با تأکید بر این مفاهیم، در زمینه‌های مختلف اجتماعی تلاش کرده است الگوهای رفتار تحمیلی را در جامعه گسترش دهد و از مرزبندی‌های اعتقادی و بحران‌های ناشی از آن جلوگیری کند؛ زیرا غلو و سخت‌گیری در دین، به تعصب، خشونت، گمان بد به مردم و دوری مردم از دین منجر می‌شود و در مقابل، بردباری و حلم به کردار شایسته، برطرف شدن پستی، رهایی از فرومایگی، اشتیاق به نیکی، گذشت، مدارا و غیره می‌انجامد. اگر الگوهای رفتار صحیح دینی به درستی شناسایی، تحلیل و معرفی شوند، می‌توانند در کاهش سطح رفتارهای تحمیلی بسیار مؤثر باشند. بنابراین این نگرش که ماهیت دین و تمامی الگوهای رفتار دینی موجب افزایش تحمیل عقیده است، باید مورد بازنگری قرار گیرد.

#### منابع و مأخذ

##### قرآن کریم

ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ش)، معجم المقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، ج ۲، [بی‌جا]: دار الفکر.

ابن ماجه، محمد [بی‌تا]، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۲، [بی‌جا]: دار إحياء الكتب العربية.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۱۰، ۱۲، بیروت: دار صادر.

ابن هشام، ابو محمد عبدالملک [بی‌تا]، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، ج ۱، ۲، ۳، بیروت: دار المعرفة.

أبی داود، حافظ (۱۳۹۵ق)، سنن أبی داود، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، ج ۴، بیروت: المكتبة العصرية صیدا.

الجزایری، عبدالرحمن بن محمد عوض (۱۴۲۴ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، بیروت: دار الكتب العلمية.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۱ش)، صحیح بخاری، ترجمه عبدالعلی نور احرازی، ج ۱، ۳، تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام.

بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.

ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ق)، سنن ترمذی، تحقیق أحمد محمد شاکر و دیگران، ج ۴، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.

خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲ش)، شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۱۶۷

داودی، محمد (پاییز ۱۳۸۰ش)، «رفق و مدارای تربیتی در سیره معصومین»، حوزه و دانشگاه، شماره ۲۸، صص ۹۶-۱۰۹.

ری شهری، محمد [بی تا]، *میزان الحکمه*، ج ۴، [بی جا]: [بی نا].

شفیعی مازندرانی، محمد (تابستان ۱۳۷۷)، «صحاح سته»، فصلنامه پیام حوزه، شماره ۱۸، صص ۱-۱۰.  
شیخ صدوق، ابوجعفر محمد (۱۳۹۰ش)، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق السید حسن الموسوی الخراسان، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ش)، *عیون أخبار الرضا*، تهران: نشر جهان.

شیخ طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷ش)، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تحقیق محمدباقر بهبودی، ج ۷، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.

صدرحسینی، علیرضا (بهار ۱۳۸۵)، «درباره اعتبار روایات کتب چهارگانه حدیث شیعه»، نشریه مقالات و بررسیها، سال سی و نهم، شماره ۷۹، صص ۱۰۱-۱۲۷.

طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۹، قم: مکتبه النشر الإسلامی.

طریحی، الشیخ فخرالدین (۱۳۶۲)، *مجمع البحرین*، ج ۵، تهران: مرتضوی.

عبدالمحمدی، حسین و هادی اکبری (پاییز ۱۳۹۱)، «نقد و بررسی دیدگاه مستشرقان درباره اهداف غزوات و سرایای پیامبر از منظر اسناد تاریخی»، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۳ (پیاپی ۵۱)، صص ۷-۴۰.

عسکری، ابوهلال (۱۳۹۰ش)، *فرهنگ واژگان مترادف*، ترجمه مهدی کاظمیان و زهرا رضاخواه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فیض کاشانی، محمدحسین (۱۴۰۶)، *الوافی*، ج ۲۶، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین علی (ع).

قراملکی، محمدحسن (پاییز ۱۳۸۱)، «ارتداد و پاسخ های متفاوت آن»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۱۸، صص ۶۱-۹۲.

مسلم بن حجاج قشیری (۱۳۹۳ش)، *صحیح مسلم*، ترجمه خالد ایوبی نیا، تصحیح حسین رستمی، ج ۱، ۲، ۳، ۴، ارومیه: حسینی اصل.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۱ق)، *اصول کافی*، ج ۲، ۵، ۸، بیروت: دار التعارف المطبوعات.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲ش)، *روش تحقیق کیفی ضد روش*، ج ۲، تهران: انتشارات جامعه شناسان.  
مقدس اردبیلی، المحقق [بی تا]، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، تحقیق الشیخ مجتبی العراقی، ج ۱۳، [بی جا]: مؤسسه النشر الإسلامی.

نجفی جواهری، شیخ محمدحسن (۱۳۶۲ش)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، تحقیق عباس قوچانی، ج ۴۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نسائی، احمدبن شعیب (۱۴۲۱ق)، *السنن الکبری*، حسن عبدالمنعم شلیبی، ج ۳، ۴، ۸، ۹، بیروت: مؤسسه الرسالة.

۱۶۸ / جایگاه تحمل و تحمیل عقیده در روابط فکری و اجتماعی در سیره نظری ... / میرزایی مهرآبادی و ...

هاشمی، سید حسین (پاییز ۱۳۸۲ش)، «نقد آرای کدیور درباره ادله شرعی ارتداد»، *رواق اندیشه*، شماره ۲۲، صص ۱۱۰-۱۲۸.

#### منابع لاتین

- Braun, Virginia, Victoria Clarke, Nikki Hayfield, Gareth Terry (2019), *Thematic analysis, Handbook of Research Methods in Health Social Sciences*, Springer Nature Singapore Pte Ltd.
- Burch-Brown, Joanna & William Baker (2016), "Religion and reducing prejudice", *Group Processes & Intergroup Relations*, vol.19(6), pp.784-807.
- Eisenstein, Marie A (2006), "Rethinking the Relationship between Religion and Political Tolerance in the US", *Political Behavior*, 28(4), pp. 327-348.
- Hoffman, Michael (2019), "Religion and tolerance of minority sects in the Arab world", *Journal of conflict resolution*, Vol.64 (2-3), pp. 432-458.
- Kamali, Mohammad Hashim (1997), *Freedom of expression in Islam*, Islamic Texts Society, Nd.
- Roberts, Keith A (1990), *Religion in Sociological perspective*, California: wad worth publishing company.
- Vernon, Richard, Samuel V. Laselva (1984), "Justifying Tolerance", *Canadian Journal of Political Science*, Vol.17, No.1, pp. 3-23.

### List of sources with English handwriting

The Holy Quran

- Abdulmohammadi, Hossein and Hadi Akbari (autumn 2013), "An Investigation of Orientalists view Concerning the Objectives of the Great Prophets Qazavat\* and Saraya\* on the Basis of Historical Documents", *Islamic History Quarterly*, No. 3 (51 series), pp. 40-7.
- Abī Dāwoūd, Ḥ (2015 AH), *Sonan*, research by Mohammad Mohiuddin Abd al-Hamid, volume number 4, Beirut: Al-Maktabat ul-‘Aṣrīyah ṣeīda.
- Al-Jazaeri, A (1424 A.H.), *Al-Fīqh Ala al-Maḍahīb al-ul-Arba‘a*, volume number 5, Beirut: Dār ul-Kotob ul-‘Elmīya.
- Askarī, A (1390), *Dictionary of Synonyms*, translated by Mehdi Kazemian and Zahra Rezakhah, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies Research.
- Birou, Alain, 1375, *Vocabulaire pratique des sciences sociales*, translated by Bagher Sarokhani, Tehran: Keīhān.
- Boḳārī, M (2013), *ṣaḥīḥ Boḳārī*, translated by Abd al-Ali Noor Ahrazi, volumes 1 and 3, Torbat Jam: Sheīkh ul-Islam Aḥmad ḵām.
- Davodi, Mohammad (autumn 2018), "Friendship and educational tolerance in the life of innocents", *Hoza and University*, No. 28, pp. 109-96.
- Ebn Fārīs, A (1399), *Al-Maqā‘īs ul-Loḡa*, researched by Abdus Salam Mohammad Haroun, volume 2, [unplaced]: Dār ul-Fīkr.
- Ebn Hīšām, A [N.d.], *Sīrat ul-Nabawīya*, researched by Mostafa Al-Saqqa, Ibrahim Al-Abiari and Abdul Hafiz Shalabi, volumes 1, 2, and 3, Beirut: Dār ul-Ma‘rifā.
- Ebn Māja, M, [n.d.], *Sonan*, researched by Mohammad Fouad Abd al-Baqi, volume number 2, [unplaced]: Dār Eḥīyā ul-Kitāb ul-‘Arabīya.
- Ebn Manzūr, M (1414 AH), *Lisān ul-‘Arab*, vol. 10 and 12, Beirut: Dār ṣādīr.
- Feīz Kāšānī, M (1406), *Al-Wāfī*, volume 26, Isfahan: Library of Imam Amir al-Momineen Ali.
- Hashemi, Seyyed Hossein (autumn 2013), "Criticism of Kadivar's opinions about the religious evidence of apostasy", *Rowaq Andiseh*, No. 22, pp. 110-128.
- Khomeini, R (1382), *ṣarḥ ul-Ḥadīth jonūd ‘Aql va ḵahl*", Qom: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
- Koleīnī, M (1411 AH), *Usūl Kāfī*, vol. 2, 5 and 8, Beirut: Dār ul-Ta‘ārof al-Maḵbū‘āt.
- Mohammadpour, Ahmad (2012), *Qualitative research method against method*, volume number 2, Tehran: Sociologists Publications.
- Moqaddas Ardabīlī, M [Bita], *Maḵma‘ ul-Fā‘īdat ul-Borhān fī ṣarḥ Iršād ul-Azhān*, research by Sheikh Mojtaba al-Iraqi, vol. 13, [unplaced]: Al-Nashr al-Islami Foundation.
- Moslīm b. Ḥajāj Qoṣeīrī (2013), *ṣaḥīḥ Moslīm*, translated by Khaled Ayubinia, corrected by Hossein Rostami, Volume 1, 2, 3 and 4, Urmia: Hosseini Asl.
- Najāfī Javaherī, Sheikh Mohammad Hassan (1362), *ḵawāḥīr ul-Kalām*, volume 41, researched by Abbas Qochani, Beirut: Dār Iḥīya ul-Taraḵ ul-‘Arabī.
- Nesa‘ī, A (1421 AH), *Al-Sonan Al-Kabīr*, Hasan Abd al-Moneim Shalabi, volume 3, 4, 8 and 9, Beirut: Al-Rīsalah Foundation.
- Qaramaleki, Mohammad Hassan (Autumn 2011), "The article on apostasy and its different responses", *Journal of Political Science*, No. 18, pp. 61-92.
- Reishahri, Mohammad [N.d.], *Mīzān ul-Hīkma*, volume number 4, [unplaced].
- Sadr Hosseini, Alireza (Spring 2016), "Authenticity of traditions of the four books of shiite hadith", *Maqalat wa Barrasiha*, year 39, number 79, pp. 101-127.
- Shafī‘ī Mazandarani, Mohammad (summer 1377), "*ṣaḥāḥ Sitta*", *Payam Hozha Quarterly*, No. 18, pp. 1-10.
- Sheīḵ ṣadoūq, A (1378), *‘Oyūn Aḳbār ul-Rīza*, Tehran: Naš-re ḵāhān.
- Sheīḵ ṣadoūq, A (1390), *Man La-Yaḥḍorah ul-Faqīh*, research by Seyyed Hasan al-Mousavi al-Khorsan, volume 4, Tehran: Dār ul-Kitāb ul-Islamīyyah.

- Sheik̄ Tūsī, M (1387), *Al-Mabsūt fī fiqh ul-Imamīya*, research by Mohammad Baqer Behboudi, Volume 7, Tehran: Al-Maktabat ul-Mortazawīya.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (1417), *Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an*, Volume 19, Qom: Al-Nashar Islamic Library.
- Tirmīdī, M (1395 AH), *Sunan Tirmīdī*, research by Ahmad Muhammad Shakir and others, Volume 4, Mostafa al-Babi Al-Halabi Library and Publishing Company.
- Toraīhī, S (1362), *Majma' ul-Bahreīn*, volume 5, Tehran: Mortazavī.

**Source English**

- Braun, Virginia, Victoria Clarke, Nikki Hayfield, Gareth Terry (2019), *Thematic analysis, Handbook of Research Methods in Health Social Sciences*, Springer Nature Singapore Pte Ltd.
- Burch-Brown, Joanna & William Baker (2016), "Religion and reducing prejudice", *Group Processes & Intergroup Relations*, vol.19(6), pp.784-807.
- Eisenstein, Marie A (2006), "Rethinking the Relationship between Religion and Political Tolerance in the US", *Political Behavior*, 28(4), pp. 327-348.
- Hoffman, Michael (2019), "Religion and tolerance of minority sects in the Arab world", *Journal of conflict resolution*, Vol.64 (2-3), pp. 432-458.
- Kamali, Mohammad Hashim (1997), *Freedom of expression in Islam*, Islamic Texts Society, Nd.
- Roberts, Keith A (1990), *Religion in Sociological perspective*, California: wad worth publishing company.
- Vernon, Richard, Samuel V. Laselva, "Justifying Tolerance", *Canadian Journal of Political Science*, Vol. 17, No. 1, 1984, pp 3-23.



**The place of tolerance and intolerance of idea in intellectual and social relations  
in the narrations of the Prophet (pbuh) based on the books of the Shi'a Arba'a  
and Şahāḥ Sīta<sup>1</sup>**

Zeinab Mirzaei Mehrabadi<sup>2</sup>  
Alimohammad Valavi<sup>3</sup>

Received: 2022/12/04  
Accepted: 2023/04/20

**Abstract**

"Tolerance of ideas" is an appropriate solution to reduce conflicts in relations between people. In societies with a variety of religions, differences are inevitable. The study of the relationship between religion and tolerance has shown that religions often tend not to tolerate other religions. Therefore, some Western thinkers consider religious behavior patterns as factors that increase intolerance of ideas. In this article, using the method of thematic analysis, behavioral patterns based on tolerance and intolerance in interpersonal relationships are examined in the narrations of the Prophet (PBUH) to determine whether the hidden themes in the Prophet's hadiths include prejudiced behavioral patterns that spread religious violence or, on the contrary, promote tolerant behavioral patterns. The study and analysis of the hadiths of the Prophet (PBUH) at the level of identification, coding, and theme finding according to the books of the Shi'a Arba'a and Şahāḥ Sīta have shown that the frequency of the hadiths whose content is tolerance of the idea is greater than the other category indicating intolerance. The analysis of the intolerant hadiths shows that these hadiths were created at a certain time and were aimed at certain conditions and should be interpreted according to these conditions. Therefore, in the life of the Prophet (PBUH), tolerance was emphasized as a basic principle in the relations of people with each other, and violence and prejudice in religion and faith were prohibited.

**Keywords:** Tolerance and intolerance of idea, Hadith of the Prophet, Şahāḥ Sīta, Books of the Shi'a Arba'a, Thematic analysis.

---

1. DOI: 10.22051/hii.2023.42188.2719

2. Ph.D. student of Islamic History of Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail address: z.mirzaei@alzahra.ac.ir.

3. Professor of the Department of History, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail address: a.valavi@alzahra.ac.ir (Corresponding author).

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493